

بررسی تفسیری اهداف آیات جهاد در مکه

* حسین علوی مهر
** سید حسن عابدیان
*** علی دوازده امامی مطلق

چکیده

جهاد یکی از فروع دین است که در مدینه واجب شده است و قرآن کریم مسلمانان را بر پاسداشت جهاد توصیه نموده و تخلف از آن را نکوهیده است. این پژوهش در صدد است تا بررسی تفسیری آیات قرآن کریم با موضوع جهاد که در مکه نازل شده را استخراج نماید و ضمن معناشناسی آنها با توجه به تاریخ نزول آیات، مبنایی به دست دهد که سیر تاریخی نزول قرآن کریم، با مفاهیم بلند جهاد در مکه سازگار باشد. نتیجه تحقیق بر آن است که آمدن مفهوم جهاد در آیات مکی، تنها برای ایجاد آمادگی برای مسلمانان بوده و جنبه زمینه‌چینی و دلگرمی داشته و به نوعی خبر از آینده‌ای می‌دهد که در مدینه به وقوع خواهد پیوست.

واژگان کلیدی

آیات جهاد، آیات مکی، عنصر زمان و مکان.

m65shab@gmail.com

mhabe 4@yahoo.com

aliemami0810@gamil.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۵

*. دانشیار گروه تفسیر جامعه المصطفیٰ ص العالمیه. (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۳

طرح مسئله

وجود جنگ و رویارویی انسان‌ها در مقابل یکدیگر از ابتدای گام نهادن بشر به روی این کره خاکی رخ می‌نماید و ماجرای قتل‌هاییل توسط قایل، به عنوان اولین رُخداد در این زمینه به‌شمار می‌آید که در گذر زمان به شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تر مطرح می‌شود، به‌خصوص همراه با پدید آمدن ادیان آسمانی، افرادی در صدد مقابله با پیامبران و اهداف و عقاید آنها بوده‌اند. به همین جهت عده‌ای از مؤمنان خالص حاضر شده‌اند در راه دفاع از دین و حق بهره‌وری از آن، از جان خود مایه بگذارند و این ماجرا زمانی به درجه نهایی خود می‌رسد که عالی‌ترین ادیان همراه با کامل‌ترین تعالیم، در صحنه زندگی مردم ظاهر می‌شود، پس جنگ‌های متعددی به وجود می‌آید و پیامبر گرامی اسلام ﷺ، خودشان در ۲۷ جنگ حضور می‌یابند.

از صدر اسلام همراه با تفسیر آیات قرآن کریم، در کتاب‌ها و سخنرانی‌ها از حال و هوا و فضای نزول آیات سخن به میان آمده است، این ادعا با گذری بر کتب تفسیری و اسباب نزول و همچنین بعضی از کتب سیره به طور روشن ثابت می‌گردد؛ اگر بعضی از آیات را بدون در نظر گرفتن دو عنصر زمان و مکان به آن پردازیم؛ از معنای اصلی خود خارج و یا حتی به مفاهیم خلاف دین اسلام خواهیم رسید. پس وجود این دو عامل، کمک بزرگی به مسلمانان در کشف معنای کلام الهی خواهد نمود، با توجه به اینکه آیات قرآن کریم و کلمات نورانی آن در مقابل هرگونه تحریف تاریخی ایستادگی نموده می‌تواند از کجروی‌ها و غرض‌ورزی‌های منحرفان جلوگیری نماید و مدرک و میزانی برای کتب سیره و تاریخ به حساب آید.

از آنجاکه جهاد در آیات مکی در مقایسه با آیات مدنی آن بسیار محدود است، شایسته است در خصوص آیات مکی پژوهشی صورت گیرد تا نکات قابل بحث آن با توجه عنصر زمان و مکان، مشخص گردد و معلوم شود آیا در زمان حضور مسلمین در مکه و نزول آیات مکی و قبل از هجرت به مدینه و رشد و شکوفایی حکومت اسلامی، معانی جهاد و قتال دارای چه تصویر قابل قبولی است؟ و آیا امکان دارد که در آن شرایط سخت و دشوار مسلمانان در مکه، سخن از جهاد و قتال به میان آمده باشد؟ گرچه بعضی (نوری، ۱۳۶۸: ۵۷) چنین امکانی را رد کرده‌اند ولی در این نوشتار در نظر است چهره‌ای از این آیات ترسیم شود تا اشاره به آیات جهاد در مکه با توجه به شرایط خفقان و تسلط ارباب زر و زور، موجه و منطقی و سازگار با عنصر زمان و مکان در آن دوران باشد.

بررسی آیات

۱. نخستین آیه مطرح‌شده مربوط به جهاد در سوره مزمل است که طبق ترتیب نزول، سومین سوره

نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۵) خداوند می‌فرماید:

وَأَخْرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... (مزمّل / ۲۰)

و دیگران که جنگ و کشتار می‌کنند در راه خدا.

درباره سوره مَزْمَل و آیه بیستم آن سه نظریه اصلی وجود دارد.

نظریه یکم: کلّ سوره مکی است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴ / ۴۷۳؛ طوسی، بی تا: ۱۰ / ۱۶۰؛

رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۶۸۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵ / ۱۹۶)

نظریه دوم: اکثر آیاتش مکی و آیات متعددی از آن مدنی است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۳۰۹؛

ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۳۵۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۱۱۲)

نظریه سوم: کلّ سوره مکی است به جز آیه بیستم. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۱۴۴؛ ابن عاشور،

۱۴۲۰: ۲۹ / ۲۳۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۵۹)

علامه طباطبایی که از این دسته اخیر است، می‌فرماید: گرچه در بسیاری از اخبار آمده است که

آیه مکی است ولی چون مصلحت دعوت حقّه در آن است که در مکه سخن از قتال نباشد، پس آیه

نمی‌تواند مکی باشد. بدین معنا که در هنگامی که مسلمانان با کمی عدّه و عدّه توانایی جنگ در راه

خدا را نداشته‌اند، چگونه می‌توان تصوّر کرد که در آن شرائط تاریخی چنین آیه‌ای درباره جنگ نازل

شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۵۲)

هر چند این سخن در ابتدا ممکن است همسو با شرایط تاریخی نزول آیه به نظر آید ولی با دقّت

بیش‌تر در آیه می‌توانیم به نکته‌ای جدید، دست یافت؛ به گونه‌ای که این آیه منافاتی با روایات ترتیب

نزول نداشته باشد به این شرح که در آیه فوق حالت توصیف و شرح حال مجاهدان فی سبیل الله است

و نه دعوت به قتال و مؤید این سخن دلایلی است که در ذیل می‌آید:

دلیل ۱. آمدن حرف «سین» در ابتدای کلمه (سَبِكُون) در ادامه آیه می‌تواند بیانگر آن باشد که آیه

نگاهی به آینده دارد، هر چند در زمان نزول آیه شرایط «قتال» وجود نداشته باشد.

آیت‌الله معرفت و بعضی دیگر در این باره می‌نویسند: اگر کسی بخواهد این آیه را مدنی بگیرد و

بگوید چون قتال در مدینه تشریح شده است، پس آیه مدنی است؛ این سخن در صورتی صحیح است

که مراد از قتال؛ قتال فعلی باشد نه آنچه بعداً واقع می‌شود و احتمال دوم (آیه مکی باشد و «قتال»

بعداً واجب گردد) وجهه‌تر است، بدین دلیل که خدای تعالی در این آیه اسباب رفع آن تکلیف شدید

اولی را بیان می‌کند و آن را تبدیل به تکلیف سبک دیگری می‌نماید و یکی از آن اسباب؛ واجب شدن

«قتال» در وقت دیگری است و در اینجا دلیل صریحی بر اراده فعلی (وجوب جهاد) وجود ندارد. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۲۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰ / ۲۹۴)

مواردی دیگر از تبدیل تکلیف دشوار به آسان و به عملی سبکتر را می‌توان در مواضع مشابه نیز مشاهده کرد؛ چنان‌که آیات «صلوة الخوف» در سوره نساء به علت شرایط جنگی که وضعیت دشوار و سختی برای مجاهدان به وجود می‌آورد، بعضی از عبادت‌ها همچون نماز از صورت طبیعی‌اش خارج شده و شکلی جدید به خود می‌گیرد که این یک تخفیفی در زمینه عبادات در هنگام جنگ است در اینجا نیز جنگ در راه خدا در کنار، سفر و مرض قرار داده شده است.

دلیل ۲. در بعضی تفاسیر به ادعای اجماع بر مکی بودن کل آیات این سوره اشاره شده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۵۲)

دلیل ۳. نزول آیات وجوب جهاد در مدینه و سوره بقره و یا سوره حج و مانند آن است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۵۱۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۱۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴ / ۳۸۲) پس ذکر کلمه قتال در این آیه، جنبه توصیفی داشته و ربطی به وجوب جهاد در مکه، ندارد.

دلیل ۴. بنا بر روایات ترتیب نزول، سوره مزمل مکی معرفی شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۵)

دلیل ۵. بنا بر بعضی تفاسیر کل سوره مزمل مکی شمرده شده است. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۲۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۵۵)

دلیل ۶. حمل «یقاتلون» بر وعده و بشارت است و همچنین از مهمترین دلایل نبوت و اخبار از غیب در عصر حکومت اسلامی است که در مدینه واقع خواهد شد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۶۶؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰ / ۲۹۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۹؛ جزایری، ۱۴۱۶: ۵ / ۲۱۸) ۲. دومین آیه در سوره قمر آیه ۴۴ و ۴۵ است که خداوند می‌فرماید:

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ * سَهْرَمُ الْجَمْعِ وَيُولُونَ الدَّبْرَ.

{کفار به گمان خود} آیا می‌گویند همگی پیروزیم؟ بزودی جمع‌شان شکست می‌خورد و پا به فرار می‌گذارند.

این آیه (قمر / ۴۵) که خبر از شکست کفار می‌دهد به نحوی مرتبط با سوره فیل است که قبل از آن نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱ - ۱۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶ - ۱۳۵) ارتباط به این صورت است که خدای تعالی در سوره فیل خواست قدرت‌نمایی خود را به رخ کفار بکشد و به آنها بگوید که در مقابل قدرت الهی، شما نیرویی ندارید و اگر آنان ادعای پیروزی داشته باشند، خداوند به

آنها وعده شکست می‌دهد و می‌فرماید پا به فرار خواهید گذاشت.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آن شکست چه زمانی واقع خواهد شد؟ در پاسخ می‌گوییم: مسلم است آن واقعه‌ای که بتواند موجب شکست کفار و پا به فرار گذاشتن آنها شود نمی‌تواند در مکه اتفاق بیفتد؛ زیرا شرایط زمانی و مکانی و تسلط کفار و مشرکان بر مسلمانان چنین اجازه‌ای را به مسلمانان نمی‌داد تا جنگی صورت گیرد و بتوانند طعم شکست را به کفار و مشرکان بچشانند، پس باید ماجرا مربوط به آینده در مدینه و زمان تشکیل حکومت اسلامی در این شهر باشد و اولین جنگ رسمی و مهم و حیاتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که همان جنگ بدر است که ماجرای این جنگ در ضمن آیات سوره «انفال» اشاره شده است. (شبر، ۱۴۰۷: ۶ / ۱۲۳)

۱. دلایل مکی بودن آیه:

با توجه به مقدمه مذکور، سیاق و حال و هوای شرایط نزول، با اخبار از غیبی سازگار است که در آینده نه چندان دور، واقع خواهد شد (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷ / ۶۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۸ / ۲۳۰) و حرف سین بر سر کلمه «بپهزم»، شاهی بر این مدعاست. (جزایری، ۱۴۱۶: ۵ / ۲۱۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۲۰۱)

۲. در تفاسیر متعددی مکی بودن آیه به قول جمهور اسناد داده شده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵ / ۲۲۰؛

ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۴۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۴۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۱۶۱)

۳. در بعضی تفاسیر بر مکی بودن این سوره، حتی آیه مورد اشاره، ادعای اجماع شده است.

(ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۹۵)

۴. روایات ترتیب نزول نیز بر مکی بودن آیه صحّه می‌گذارد. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱؛ معرفت،

۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶)

۵. در تفاسیر متعددی بر مکی بودن آیه تصریح شده است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۸۴؛

قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۴۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۷ / ۶۴)

۶. خبر از شکست کفار افزون بر دلگرمی مسلمانان، دلیلی بر اثبات رسالت ایشان و از اعجاز و

پیشگویی‌های قرآنی می‌باشد که در کتب مختلف تفسیری آمده است. (ماتریدی، ۱۴۱۶: ۹ / ۴۵۷؛

طوسی، بی‌تا: ۹ / ۴۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۲۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۸۴)

از ابن عباس و ابن سعد نقل شده است که پیامبر ﷺ در روز بدر این آیه «سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ»

را بر زبان جاری فرموده است. (ذهبی، ۱۴۱۰ / ۸۴؛ زینی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۴۳؛ ابن اثیر، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۴۲)

در خصوص این نقل تاریخی می‌توان گفت جاری شدن این آیه بر زبان پیامبر گرامی اسلام، دلیل بر

نزول آن در مدینه و هنگام جنگ بدر نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۱۶۱) در تأیید این سخن تفسیر

المحرر الوجیز از قول قاضی ابومحمد نقل می‌کند: پیامبر در روز بدر تنها بر این آیه استشهاد کرده است نه اینکه آیه در روز بدر نازل شده باشد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵ / ۲۲۰)

بررسی‌های تاریخی نیز شاهی دیگر بر این مطلب است که باید بین نزول این آیه و استشهاد پیامبر گرامی اسلام بر آن در روز بدر، قائل به تفکیک شد؛ زیرا انشقاق قمر به لحاظ تاریخی و نقل بعضی مفسران پنج سال قبل از هجرت بوده است و از ابن عباس روایت شده است، بین نزول آیه «سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلِّوْنَ الدُّبَرَ» (قمر / ۴۵) و روز بدر هفت سال فاصله افتاده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۱۶۲) بنابراین می‌توان گفت، جنگ بدر در سال دوم هجری است ولی به لحاظ معجزه الاهی هفت سال پیش از آن؛ خدای متعال از غیب خبر داده است.

دروزه درباره وعده نصرت الاهی به مؤمنان و شکست کفار می‌نویسد: این بشارت خداوندی در جنگ بدر و جنگ‌های بعد از آن برای مؤمنان تحقق می‌یابد. پس این آیه یک معجزه قرآنی است که خبر از آینده می‌دهد. (دروزه، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۸۷)

با توجه به دلایل شش‌گانه فوق و مؤیدات آن؛ آیه مکی است، اما تأویل و تصدیق این آیه در روز بدر به وقوع پیوسته و در آن روز جمع کفار شکست می‌خورند و به جنگ پشت می‌کنند. البته در آیات دیگر قرآن نیز وعده نصرت الاهی وجود دارد که خداوند به مسلمین خبر می‌دهد که شما در آینده بر کفار غالب و چیره خواهید گشت. در این باره می‌توان به سوره دخان اشاره نمود، آنجا که خدای متعال می‌فرماید:

يَوْمَ نَبُطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ. (دخان / ۱۶)

روزی که گرفتنی سخت و بزرگ می‌گیریم که ما انتقام‌گیرنده هستیم.

با اینکه سوره دخان مکی است؛ (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶) عده‌ای از مفسران این آیه را مربوط به جنگ بدر و شکست کفار از مسلمین در این جنگ دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸ / ۱۲۹ - ۱۳۸ - ۱۹۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۶: ۱۲ / ۱۲۶) ولی همان‌گونه که درباره آیه ۴۵ سوره قمر گذشت، این آیه مکی است اما خبر از آینده‌ای می‌دهد که مسلمانان پیروز می‌شوند. این نظریه با توجه به کلمه «نَبُطِشُ» در آیه شریفه سوره دخان که فعل مضارع است و به آینده اشاره می‌کند، تقویت می‌شود. بنا بر آنچه گذشت، می‌توان مواردی را یافت، که آیه در مکه نازل شده است ولی نگاهش به آینده است و به مسلمانان دلگرمی و امید می‌دهد که در آینده (هنگام جنگ بدر که همان بطشه کبری است) از مشرکان انتقام خواهید گرفت.

۳. آیه ۱۲۶ سوره نحل؛ آیه دیگری است که درباره جهاد و «مقابله به مثل» از آن استفاده می‌شود:

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ * وَأَصْرٌ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

و اگر عقوبت می‌کنید نظیر آن عقوبت که دیده‌اید، عقوبت کنید و اگر صبوری کنید همان برای صابران بهتر است؛ صبور باش که صبر کردن تو، جز به تأیید خدا نیست غم آنها را مخور و از نیرنگ‌ها که می‌کنند تنگ‌دل مباش.

سوره نحل مکی است. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶) اما عده‌ای از مفسران این آیات را مدنی دانسته (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲ / ۲۰۳ - ۲۰۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۷۴) و ماجرای مثله شدن حضرت حمزه در جنگ احد را یادآور شده‌اند. به عنوان مثال عیاشی این ماجرای تاریخی را ذیل این آیه آورده است: «حسن بن حمزه می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید مشرکان در جنگ احد با حمزه بن عبدالمطلب چه کار کردند فرمود: اگر بر آنان دست یابم من هم برخی از آنان را مثله می‌کنم، پس خداوند این آیه را نازل کرد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۷۴)

همچنین در این زمینه سیوطی آورده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پیکر حمزه (عمویش) در هنگامی که به شهادت رسید، ایستاد (در جنگ احد) و دید عمویش را مثله کرده‌اند، فرمود: به جای تو هفتاد تن از آنان را مثله خواهم نمود، پس خداوند این آیه را نازل کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن چه اراده کرده بود، منصرف شد. (سیوطی، ۱۴۱۰: ۲۲۴)

در اینجا شایسته است چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

یکم اینکه: طبق روایات ترتیب نزول، سوره نحل مکی است. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶) پس این آیات را نمی‌توان مربوط به دوران مدینه و جنگ احد دانست. (عاملی، ۱۴۱۵: ۶ / ۲۵۹؛ حلبی، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۶۰) دوم اینکه: صرف ذکر قصه و وجود روایتی ذیل این آیه؛ دلیل بر نزول آن درباره آن ماجرا نیست. و بنا بر تفسیر **التحریر و التنویر** می‌توان گفت: چه بسا امر بر روات مشتبه شده، هنگامی که پیامبر گرامی اسلام این آیه را در جنگ احد تلاوت و یادآوری فرموده است، گمان کرده‌اند که در آن هنگام نازل شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۷۴)

سوم اینکه: افزون بر آن، فقها قاعده «مقابله به مثل» را از این آیه استفاده کرده‌اند و آن یک قاعده کلی است، بنابراین آیه نزولش درباره جنگ نیست و مراد از آن صرف مقابله به مثل است که در دوره مکه نیز واقع می‌شده است؛ نظیر تازیانه حمزه بر سر ابوجهل. (رسولی محلاتی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۶۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۱ / ۴۶۰) ضمن اینکه هنگام دقت در لحن آیه، این نتیجه بیش تر تقویت می‌شود،

آنجا که می‌فرماید: «و صبر کن و نیست صبر تو مگر به تأیید الهی» و ما می‌دانیم که صبر کردن و استقامت نمودن با حال و هوای حاکم بر زندگی پیامبر و مسلمانان در مکه مناسبت بیش‌تری دارد؛ زیرا مسلمین در این دوران زیر فشارهای مادی و معنوی فراوانی به سر می‌بردند به نحوی که عده‌ای از آنان زیر شکنجه کفار شهید می‌شدند.

چهارم اینکه: نقل ابن‌عباس و ابن‌زبیر است که مکی بودن آیه را به قول جمهور نسبت داده‌اند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۷۴)

پنجم اینکه: در این آیه امر به عدالت و مماثله در استیفاء حق شده است و ارتباط روایت مثله‌شدن حمزه که مورد اشاره سیوطی (سیوطی، ۱۴۱۰: ۲۲۴) بود؛ با آیه مردود است؛ زیرا این روایت مرسل است و راوی (عن بعض اصحابه) مبهم است که نامش نیامده است. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۵۲۷) ضعف این روایت در تفسیر **التحریر و التنبؤ** نیز مورد اشاره قرار گرفته است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۷۴)

ششم اینکه: در پاره‌ای از تفاسیر، ماجرای مثله شدن جناب حمزه و ارتباطش با این آیه را با لفظ قیل آورده است که دلیل بر ضعف این موضوع است. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۳ / ۶۲۲؛ حایری طهرانی، ۱۳۳۸: ۶ / ۲۰۴؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۷۴)

هفتم اینکه: عطف آیه ۱۲۶ سوره نحل بر آیه ۱۲۵ این سوره با واو عاطفه، مرجحی دیگر بر مکی بودن این آیه است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۷۴) زیرا مکی بودن آیه ۱۲۵ نحل متفق‌علیه است و بنا بر سیاق آیات و عطف آنها، آیه ۱۲۶ این سوره را هم باید مکی دانست.

۴. آیه ۲۱ سوره سجده؛ یکی از آیات دیگری که ممکن است مرتبط با جهاد باشد، آیات سوره سجده است که در آن نیز جنبه توجّه به آینده لحاظ شده است:

وَلَنذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (سجده / ۲۱)

و به آنان از عذاب نزدیک پیش از عذاب بزرگ می‌چشانیم شاید باز گردند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ. (سجده / ۲۲)

و چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟ مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ. (سجده / ۲۹ - ۲۸)

و می‌گویند کجاست این فتح اگر شما راست می‌گویید. بگو روز فتح کسانی که کافر شدند ایمان‌شان نفعی ندارد و مهلتی هم ندارند.

فَأَعْرَضُ عَنْهُمْ وَاَنْتَظِرُ اِيَّاهُمْ مُنْتَظِرُونَ. (سجده / ۳۰)

پس از آنها روی برگردان و منتظر باش آنها نیز منتظرند.

چنان که ملاحظه می‌شود در آیات مکی با تعبیر گوناگون سخن از جنگ آینده پیامبر اسلام ﷺ با مشرکان رفته است؛ منتها گفته شده است در حال حاضر صبر کن و انتظار بکش و از مشرکان اعراض کن و بس.

سوره سجده از سوره‌های مکی است اما اینکه آیات فوق آیا مکی است یا مدنی؟؛ دلایل ذیل، مکی بودن آیات فوق از سوره سجده را تبیین می‌کند:

۱. اجماع مفسران که یا تمام سوره را مکی می‌دانند و یا از مکی بودن بخشی را استثناء کرده‌اند که شامل آیات ۱۶ تا ۲۰ است و ربطی به ما نحن فیه ندارد؛ زیرا آیات مورد نظر از آیه ۲۱ به بعد می‌باشد. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۴۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۸ / ۳۲۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵ / ۳۱۱؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰ / ۳۷۱؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۴۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۶۳)

۲. اطلاق اکثر مفسران و تصریح بعضی از آنها و روایتی از ابن عباس؛ مرجحی دیگر بر مکی بودن این آیه کریمه است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۱۴۰)

۳. روایات ترتیب نزول این سوره را مکی شمرده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۷)

۴. لحن آیات به سمت و سویی است که الان انتظار بکش و صبر پیشه کن (وَأَنْتَظِرُ اِيَّاهُمْ مُنْتَظِرُونَ) و همچنین صیغه‌های مضارع در آیات فوق، دلیل است که در آینده مدنی، اتفاقات شیرین و پیروزی‌های مهمی نصیب مسلمین خواهد شد و این حالت صبر و انتظار پیروزی، با حال و هوای مکه سازگار است؛ زیرا مسلمانان به علت محدودیت در عده و عده و استیلای کفار بر آنان، حتی تصور فتح و پیروزی در مکه را هم نمی‌کردند.

در آیه ۲۱ سوره سجده دو عذاب مورد اشاره است؛ یکی «عذاب ادنی» یعنی عذاب نزدیک‌تر که این می‌تواند همان جنگ بدر باشد که بعداً به وقوع خواهد پیوست. در این باره روایات متعددی وجود دارد که در تفسیر المیزان به مصیبت‌هایی از قبیل جنگ و کشتار تفسیر شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۷۶)

همچنین در این باره در التفسیر الحدیث آمده است: در این زمینه آن عذابی مورد توجه است که در روز جنگ بدر به کفار خواهد رسید و به هر حال این آیه و آیه بعدش دلالت دارد بر تکرار ترساندن مشرکان و بزرگان آنها از جهتی و از جهت دیگر اطمینان دادن به پیامبر ﷺ است (دروزه، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۵۳) و

دیگری «عذاب اکبر» عذاب بزرگ‌تر همان عذابی است که بر کفار و مشرکان در روز قیامت فرود می‌آید که منظور این قسمت می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۷۸)

در مورد عذاب ادنی شش قول است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۷۸؛ ابن جوزی ۱۴۲۲: ۳ / ۴۴۲) ۱. آنچه روز بدر به کفار رسید. ۲. سال‌هایی که گرفتار گرسنگی شدند. ۳. مصیبت‌های دنیایی. ۴. حدود الاهی. ۵. عذاب قبر. ۶. کشته شدن و گرسنگی.

در مورد عذاب اکبر هم دو قول است: ۱. عذاب روز قیامت. ۲. کشته شدن در روز بدر. به نظر می‌رسد نخستین احتمال در هر مرحله قابل پذیرش است؛ زیرا این احتمال با شرایط تاریخی سازگارتر و دارای مرجحاتی از کتب تفسیر می‌باشد. (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۹ / ۳۱۱۰؛ ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴: ۲ / ۱۵۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۲۰)

افزون بر کتب تفسیری فوق، می‌توان گفت به قرینه واژگان همین آیات، عذاب ادنی همان روز بدر است که در مدینه اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا در ادامه سخن از فتح و پیروزی به میان می‌آید که این واژه با جنگ و درگیری سازگار است که مراد جنگ بدر است. وقتی عذاب ادنی را با قرینه واژه فتح، جنگ بدر محسوب کردیم، لا محاله عذاب اکبر را باید روز قیامت، بدانیم تا بین عذاب نزدیکتر (بدر) و عذاب اکبر (قیامت) بزرگتر بودن و سخت‌تر بودن روز قیامت قابل تصور باشد.

در آیه ۲۲ این سوره به موضوع انتقام اشاره شده است که خدا می‌فرماید از مجرمین انتقام خواهیم گرفت که به قرینه ذکر این آیه پس از آیه ۲۱ که توضیحش گذشت باز هم می‌تواند اشاره به انتقام خدا و خداجویان از مشرکان و کفار در آینده داشته باشد؛ یعنی جنگ بدر که در آینده اتفاق می‌افتد. ناگفته نماند خدای متعال در ضمن آیات دیگری نیز، موضوع انتقام را مطرح نموده است، که آیاتش مکی هستند اما اشاره به آینده دارند، از جمله آیه ۱۶ دخان، خدای متعال فرمود «ما انتقام» خواهیم گرفت، آنجا نیز تفسیری بر جنگ بدر در آن آیه وجود دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸ / ۱۴۷)

در ادامه، انکار کفار از در پیش بودن این شکست را مطرح ساخته است که می‌گویند: پس این فتح کجاست؟ و خدا می‌فرماید روز فتح فرا رسیدنی است و منتظر باشید تا روز انتقام و آن شکست سخت کفار فرا رسد این مطلب را در کلام بعضی مفسران می‌یابیم که این فتح را به روز بدر تفسیر نموده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۸۱)

نتیجه آنکه این پنج آیه که در سوره سجده آمده است یک پیام دارد، پیام آیات، وجود یک جنگ قریب‌الوقوع خواهد بود، که نتیجه آن فتح و پیروزی برای مسلمانان است. منتها در حال حاضر، آنان باید صبر داشته باشند و انتظار بکشند.

۵. آیات ۳ و ۴ سوره روم:

غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي آدَتِي الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي يَضْعَ سِينِنَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ. (روم / ۴ - ۲)

رومیان مغلوب شدند و (این شکست) در نزدیکی همین سرزمین رخ داد، اما آنان پس از این مغلوبیت، در ظرف چند سال به زودی پیروز خواهند شد، همه کارها چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی) از آن خداست و در آن روز مؤمنان (به خاطر پیروزی دیگری) پیروز خواهند شد.

سوره روم مکی است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۷) و درون این سوره وعده صبر به مسلمانان داده شده است؛ آنجا که می‌فرماید:

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ. (روم / ۶۰)

صبر پیشه کن که وعده خدا حق است و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند.

این آیه نیز همچون آیات سوره سجده دارای پیام صبر است که در سایه آن وعده الهی تحقق خواهد یافت. این آیات به انضمام آیات ابتدایی این سوره تکمیل‌کننده وعده خدای متعال مبنی بر یاری و مساعدت مؤمنان در جنگ بدر است، به همین جهت از این آیه سخن به میان آمد. غرض و مقصود از سوره روم، که همان وعده قطعی خدای تعالی است که دینش را پیروز خواهد کرد و پیش از آن؛ پیروزی روم بر علیه فارس را محقق ساخت تا از رهگذر آن بر قطعی بودن وعده‌اش استدلال فرماید. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۱۵۴)

دلایل مکی بودن آیات:

۱. مفسران مختلفی بر مکی بودن این سوره تصریح کرده‌اند و حتی بعضی از آنان قائل به عدم خلاف در این باره هستند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۳۵۹؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۵۲؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۲۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۶۲۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۶ / ۳۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۱۵۳)
۲. روایات ترتیب نزول بر مکی بودن این سوره اشاره کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۷)

۳. صاحب **الاتقان**، کل این سوره را مکی دانسته است؛ زیرا هنگام ذکر سوره‌های اختلاف شده

در مکی و مدنی بودن آنها و یا بعضی آیات آنها؛ نامی از این سوره به میان نیاورده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۵)

۴. با توجه به شکست رومیان و اخبار قرآن از پیروزی آنان در آینده در بضع سنین که توضیحش به تفصیل از کتب تاریخی و تفسیری در پی می‌آید، مکی بودن این سوره به‌طور کامل منطبق بر محاسبات تاریخی و کتب تفسیری است.

به نظر می‌رسد بین آیات اولیه این سوره و آیات پایانی آن ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که همه خبر از پیروزی مسلمین در پیکاری بزرگ خواهد داد.

نکته جالب اینکه شکست ایران از روم که بنابر وعده قرآن در آینده‌ای نه چندان دور (بُضْعِ سِنِينَ) به وقوع خواهد پیوست؛ همزمان با پیروزی‌های مختلف مسلمانان بر مشرکان است که این تصادف زمانی شیرینی پیروزی را در کام مسلمانان دو چندان می‌کند.

در سال نهم از مبعث پیغمبر ﷺ در مکه بود و چون غلبه پارس بر روم به رسول خدا ﷺ رسید، دلتنگ شد و مشرکان شاد شدند برای آنکه رومیان اهل کتاب بودند و فارسیان گبر بودند و کتاب نداشته و مشرکان از روی شماتت با اهل ایمان گفتند که: شما و ترسایان اهل کتابید و ما و اهل فارس اُمّی هستیم، پس از غلبه فارس بر روم تَقَالَ می‌کنیم که ما بر شما غالب خواهیم شد؛ حق تعالی برای تسلی آن حضرت و اهل ایمان این آیت فرستاد و بیان فرمود که (وَهُمْ) و رومیان (مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ) پس از مغلوب شدن ایشان (سَيَعْلَبُونَ) زود باشد که غالب شوند. (کاشانی، ۱۳۴۴: ۷ / ۱۸۲)

در اینکه شکست فارس از روم در چه زمانی واقع شده است و خبرش به مسلمانان رسیده است، در مجموع دو نظر در میان مفسران وجود دارد؛ یکی اینکه این شکست همزمان با روز پیروزی مسلمانان در جنگ بدر بوده است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۵۸؛ شبّر، ۱۴۰۷: ۵ / ۷۷؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۲: ۵ / ۳۴۵؛ شبّر، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۰۴) و نظر دوم اینکه این شکست همزمان با روز صلح حدیبیه بوده است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۶: ۱۰ / ۱۷۲؛ حایری طهرانی، ۱۳۳۷: ۸ / ۲۰۲؛ بلاغی، ۱۳۴۵: ۵ / ۱۴۴)

حال چه جنگ بدر چه صلح حدیبیه، هر کدام که باشد، شاهی بر پیشرفت مسلمانان و شادی و سرور آنها خواهد بود؛ زیرا حتّی در صلح حدیبیه نیز، اثر از قوّت و شوکت مسلمانان وجود دارد؛ زیرا کفّار مجبور شدند، برای مسلمانان جایگاهی قائل شوند و آنها را به رسمیت بشناسند و همین صلح باعث پیشرفت اسلام حتّی در مکه شد به نحوی که در دو سال بعدش؛ یعنی در سال هشتم هجری زمینه برای فتح مکه به وجود آمد و آن شهر توسط پیامبر ﷺ و یارانش فتح شد.

از میان این دو نظر، صلح حدیبیه دارای مرجّحاتی است. بنابر تفاسیر متعدّدی (بروجردی، ۱۴۲۱:

۵ / ۲۴۱؛ جرجانی، ۱۳۳۷: ۷ / ۲۳۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۶: ۱۰ / ۱۷۲؛ علوی حسینی موسوی، ۱۳۹۶: ۲ / ۷۹۹) بین شکست روم تا پیروزی آنها نه سال فاصله وجود داشته است و از طرف دیگر چنان که گذشت شکست روم در سال نهم بعثت اتفاق افتاده است، وقتی به سال نهم بعثت، نه سال افزوده شود (فاصله شکست تا پیروزی را) سال ششم هجری، همزمان با صلح حدیبیه خواهد بود.

مرجّح دیگر اینکه با مراجعه به کتب تفسیری معلوم می‌شود که چون قرآن فرمود: «فی بضع سینین» که این فاصله زمانی ۳ تا ۹ سال می‌باشد و در این مدّت رومیان شکست خود را جبران می‌کنند و به پیروزی دست می‌یابند، خود یک پیش‌گویی به حساب می‌آید، در این باره ابوبکر با ابی‌بن‌خلف بر سر این وعده الهی شرط‌بندی نمودند و هنگامی که این حادثه به وقوع پیوست، ابوبکر جایزه شرط‌بندی خود را از ورثه ابی بن خلف گرفت. (کاشانی، ۱۳۴۴: ۷ / ۱۸۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۶۳: ۳ / ۵۳۷) و این با جنگ بدر نمی‌سازد؛ زیرا ابی بن خلف در جنگ احد شرکت داشته و در اثر جراحت به هلاکت رسیده است و اگر پیروزی رومیان همزمان با جنگ بدر بود، ابوبکر آن جایزه شرط‌بندی را از خود ابی بن خلف می‌گرفت و نوبت به ورثه او نمی‌رسید. قتاده نقل می‌کند روم هنگام بازگشت مسلمین از حدیبیه بر فارس پیروز شد. تأیید این نظریه با کتب تاریخی محض آن دوران، نیز در خور توجه است؛ زیرا جنگ‌های میان دو امپراطوری بزرگ در آن زمان (ایران و روم) دارای سابقه طولانی بوده است که می‌توان برای آن دوره‌ای هفتصد ساله و نقطه اوجش را دوره‌ای بیست‌وهفت ساله مشخص نمود. در طول این جنگ‌ها گاهی پیروزی نصیب رومی‌ها و گاهی نصیب ایرانی‌ها می‌شده است؛ از آنجاکه تولّد پیامبر اسلام ﷺ در سال ۵۷۰ میلادی بوده است و ایشان در سال ۶۱۰ میلادی به پیامبری رسیده‌اند و در سال ۶۲۲ اوائل ۶۲۳ میلادی هجرت فرموده‌اند، صلح حدیبیه در سال ششم هجری اتفاق افتاده است و این زمان با شکست خسرو پرویز (ایرانیان) یعنی سال ۶۲۸ هجری همزمان است و رومیان در سال ۶۲۹ میلادی پیروزی خود را جشن گرفته‌اند. بنابراین، کتب تاریخی نیز مؤید سخن ماست. (داهیم، ۱۳۷۶: ۵۹۳؛ اصفهانی، ۱۳۳۷: ۱ / ۳۱؛ شجاعی، ۱۳۱۵: ۳ - ۴ - ۱۶۲ - ۱۶۳).

نتیجه

در این پژوهش معلوم گردید تعدادی از آیات قرآن کریم که در مکه نازل شده است، اشاره به جهاد و جنگ در راه خدا دارد. هر چند این آیات؛ تشریح جهاد و وجوب آن را در بر نمی‌گیرد اما دارای معانی منطقی و کارآمدی است که در دوران و شرایط و حال و هوای نزول آیات مکی، قابل تصوّر است و

دارای فواید متعددی می‌باشد. از جمله آن دلایل ایجاد آمادگی ذهنی برای مسلمانان و نوید دلگرمی برای آنان است، که روزی فرا خواهد رسید (دوران مدنی) که در مقابل دشمنان اسلام با جهادی جانانه خواهید ایستاد. پس آیات مزبور اشاره به آینده‌ای دارد که در عصر مدنی به‌وقوع خواهد پیوست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ج ۳.
- ابن ابی زینب، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر ابن ابی زینب*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر، ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زاد المسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحور الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر ابن کثیر*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *السیرة النبویة*، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۲.
- ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۱۳ ق، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- اصفهانی، حسین، ۱۳۳۷، *تاریخ مفصل اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام از ظهور پیغمبر اکرم تا عصر حاضر*، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۴۱۵ ق، *الصحیح من سیرة النبی الاعظم*، بیروت، دار السیرة، ج ۴.
- بروجردی، سید ابراهیم، ۱۴۲۱ ق، *تفسیر جامع*، تهران، صدرا.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی، عبدالحجت، ۱۳۴۵، *حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، قم، حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *تفسیر الثعالبی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، حسین، ۱۳۳۷، *تفسیر گازر (جلاء الاذهان و جلاء الاحزان)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جزایری، ابوبکر جابر، ۱۴۱۶ ق، *ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم.
- حائری طهرانی، علی، ۱۳۳۸، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- حلبی، علی بن برهان‌الدین، ۱۳۸۳ ق، *السیره الحلبیه*، مصر، مکتبه التجاریه الکبری.
- داهیم، بهرام، ۱۳۷۶، *خسرو پرویز و جنگ‌های بیست‌وهفت ساله ایران و روم*، تهران، گلریز، چ ۳.
- دروزه، محمد عزّه، ۱۴۲۱ ق، *التفسیر الحدیث تفسیر السور حسب النزول*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، بیروت، دار الکتب العربی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح البیان*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رسولی محلاتی، سید هاشم، ۱۳۶۳، *زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین*، تهران، علمیه اسلامیة.
- زینی، احمد، ۱۳۸۳، *السیره النبویه والآثار المحمدیه*، مصر، مکتبه التجاریه الکبری.
- سبزواری نجفی، محمد، ۱۴۰۲ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۰ ق، *اسباب النزول*، بیروت، دار الهجرة.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، کویت، مؤسسه الالفین.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار البلاغه.
- شجاعی، مقتدر، ۱۳۱۵، *جنگ‌های هفتصد ساله ایران و روم*، تهران، گلستانه.
- شریف لاهیجی، محمد، ۱۳۶۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، مطبوعات علمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چ ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ ق، *جوامع الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- علی بن ابی‌الکرم، ۱۴۱۴ ق، *التکامل فی التاریخ*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چ ۴.

- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۳، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی المشهدی، محمد، ۱۳۶۶، *کنز الدقایق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، چ ۳.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۴۴، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ ق، *زبدہ التفاسیر*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ ق، *تأویلات اهل السنة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، النشر الاسلامی، چ ۲.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین، ۱۳۶۸، *جهاد*، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

